

پیشگیری اجتماعی از اختلاس با تأملی در آموزه‌های نهج‌البلاغه

امین رادمان

دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده

مسئول)

Aminradman@yahoo.com

بهار حمزه‌زاده

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

hamzezadebahar@yahoo.com

چکیده

جرم اختلاس از جمله جرائم اقتصادی است که مجازات، از شمار مرتکبان آن نکاسته است. این در حالی است که در جامعه امروز پیشگیری‌های غیرکیفری و به‌طور مشخص پیشگیری اجتماعی با پیشرفت علم جرم‌شناسی، جایگاه ممتازی یافته است. در میان آموزه‌های نهج‌البلاغه نیز نکات دقیق و فراوانی در این باره وجود دارد؛ از جمله اینکه یکی از مؤلفه‌های مهم امام علی (ع) در واگذاری مناصب حکومتی، پرهیزگاری و امانت‌داری کارگزارانش بود و سیاست حکومتی ایشان در مورد دست‌اندازی به بیت‌المال توسط افرادی که آن را در اختیار داشته‌اند، شایان توجه است. نوشتار حاضر با توسل به فرمان‌ها و توصیه‌های موجود در نهج‌البلاغه در صدد آن است که به‌طور مشخص به راهکارهای اجتماعی پیشگیرانه جرم اختلاس در اثرگذاری بر کاهش وقوع این جرم بپردازد. نتایج این مقاله در تلاش است آموزه‌های پیشگیرانه جرم‌شناسان را با تطبیق بر کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه در حوزه جرم اختلاس به‌طور دسته‌بندی‌شده و روشمند ارائه دهد تا از این رهگذر از مجریان نظام عدالت کیفری، اجرایی شدن آن را طلب نمود. سؤال مقاله این است که آموزه‌های نهج‌البلاغه تا چه اندازه منطبق بر رهیافت‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه

است؟ این پژوهش با روش تحلیلی نظری و با رویکرد کارکردگرایانه، به صورت توصیف و تحلیل مطالب صورت گرفته و از مدل و نظریه سیستمی و مفاهیم آن در ارتباط با پیشگیری از جرایم استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای اسنادی است. در نهایت نتیجه آنکه آموزه‌های جدید جرم‌شناسی پیشگیرانه با رویکردها و آموزه‌های نهج البلاغه در یک راستا هستند و راهکارهای پیشگیرانه از جهت مبارزه و پیشگیری به متولیان سیاستگذاری جنایی پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه: اختلاس، پیشگیری اجتماعی، امام علی (ع)، نهج البلاغه

در عصر حاضر به منظور بهبود روابط اجتماعی و بهره‌مند شدن مردم از مواهب و نعمات موجود در طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه و اموال موجود در یک کشور در اختیار دولت و نهادهای عمومی قرار می‌گیرد. لذا این وظیفه دولت است که این اموال را در اختیار افرادی امانت‌دار قرار دهد تا به نحو شایسته نگهداری و برای هدف موردنظر به کار گیرند، اما با وجود این برخی کارکنان حکومت در ادای این وظیفه شرعی و قانونی کوتاهی کرده، اموال را به نفع خود یا دیگری تصاحب می‌کنند (رمضانی، ۱۳۹۲: ۱۱). این عدول از وظیفه شرعی و قانونی در ادبیات قانونگذار اختلاس نام دارد.

به تشریح ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مأموران به خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا سایر اشخاص که حسب وظیفه به آنها سپرده شده است، انجام می‌گیرد؛ برای مبارزه با این گونه ناهنجاری‌ها و معضلات، اتخاذ سیاست‌های کیفری و به مجازات رساندن مجرمان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت‌ها در طول تاریخ بوده است. اما امروزه تجربه نشان داده است که اعمال مجازات سرکوبگرانه برای مبارزه با جرم و به‌خصوص جرائم مالی مؤثر نیست (چلونگر، ۱۳۹۶: ۳۵).

از این رو این آورده علمی در تلاش است ویژگی‌های این جرم و مرتکبان آن، ریشه‌ها و پیامدهای آن را به منظور شناخت دقیق و صحیح از این عنوان مجرمانه با مطالعه در ابواب مختلف نهج‌البلاغه مورد کاوش قرار دهد تا با بررسی مصادیق گوناگون پیشگیری‌های اجتماعی همچون ارتقای اخلاق حرفه‌ای، شایسته‌سالاری، الگوسازی صحیح و آموزش و غیره و تطبیق آن با روش حکومتی امیرالمؤمنان نقش مهمی که پیشگیری غیرکیفری در کاهش وقوع این پدیده مجرمانه ایفا می‌کند، بیابد. این پژوهش با روش تحلیلی - نظری و با رویکرد کارکردگرایانه، به‌صورت توصیف و

تحلیل مطالب صورت گرفته و از مدل و نظریه سیستمی و مفاهیم آن در ارتباط با پیشگیری از جرایم استفاده شده است. سؤال اساسی تطبیق رهیافت‌های جرم‌شناسی پیشگیری با آموزه‌های نهج البلاغه است که به چه میزان این دو گفتمان منطبق بر یکدیگر هستند. به نظر اندیشه‌ای نو ریشه در مباحث فقهی و آموزه‌های شرعی فقه امامیه دارد و این دو در یک‌راستا و منطبق برهم هستند.

۱. ویژگی‌ها و ریشه‌های جرم اختلاس

اختلاس در لغت به معنای ربودن، جدا کردن و برداشتن چیزی از روی دیگر است (عمید، ۱۳۹۰: ۱۱۴). در حقوق کیفری و مطابق قانون اختلاس به معنی آن است که مرتکب جرم که مأمور دولت است، نسبت به اموال متعلق به دولت یا اموالی که نزد وی می‌باشد، مرتکب خیانت می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). در فقه اختلاس را تحت عنوان اخذ مال از غیر حرز دانسته‌اند؛ بدین صورت که اگر کسی مالی را بر باید، نه از حرز و جای امن، بلکه به وسیله تردستی و پنهان یا قهر و حيله و شهادت دروغ و خوراندن بنگ و داروی بیهوشی و امثال آن گرچه دزدی نیست و حد دزد نباید زد؛ اما حاکم می‌تواند او را ادب و تعزیر کند، به اندازه‌ای که دیگران عبرت گیرند و نکنند (علامه حلی، ۱۳۴۳: ۷۵۶). از همین جهت و بر همین مبنای فقهی است که قانونگذار اختلاس را جز جرایم با مجازات‌های تعزیری قرار داده است. جرم اختلاس مانند بسیاری از جرائم اقتصادی مبتنی بر فریب و نیرنگ، سوءاستفاده از اعتماد و تبانی و اغلب نیازمند فرصت شغلی مناسب و تخصص لازم است. همین امر باعث می‌شود مرتکبان آن جرم را به مثابه یک کارشناس مسلط بر امور انجام دهند؛ چنین ویژگی‌هایی کشف جرم اختلاس را مشکل می‌سازد. ضمن اینکه اثبات قصد تقلب و رابطه سببیت بین عمل مرتکب و جرم در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد؛ بنابراین تا ادله قطعی و ممکن یافت نشود، اقدام به شکایات کیفری نمی‌شود. از این رو تعداد پرونده‌های جرم اختلاس فراوان نیست (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

همچنین جرم اختلاس از جمله جرائم یقه‌سفیدی است؛ یعنی: «رفتارهای غیرقانونی یا غیراخلاقی ناقض مسئولیت امانی یا اعتماد عمومی که توسط یک شخص یا سازمان

ارتکاب می‌یابد، این اعمال معمولاً در جریان فعالیت‌های شغلی مشروع و توسط اشخاصی که دارای مقام عالی و قابل احترام اجتماعی‌اند ارتکاب می‌یابند» (بنسون، ۱۳۹۱: ۴۱).

آثار جرم اختلاس، آنی نیست و در طول زمان جلوه‌گر می‌شود؛ بنابراین کشف آن نیز مدت‌ها پس از وقوع آن اتفاق می‌افتد و نرخ بزهکاری در این جرائم ظاهراً پایین است. ویژگی‌هایی همچون نداشتن آثار مادی اخفا و تبانی موجب کشف کمتر این جرائم می‌شود؛ درحالی‌که رقم سیاه این جرائم بسیار بالاست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۵).

از طرفی مرتکبان جرم اختلاس از لحاظ جرم‌شناختی، دارای شخصیتی برون‌گرا هستند و از سایر مجرمان اجتماعی‌ترند و دارای فعالیت‌های فوق‌برنامه بیشتری هستند. انگیزه آنان در ارتکاب جرم ریشه در فرهنگ رقابت دارد؛ حالت اشتیاق و تشویق می‌تواند عاملی برای تکرار جرم آنان در آینده باشد؛ هرگز به چشم یک مجرم به خود نمی‌نگرند، میل به پنهان‌کاری در آنان بسیار بالاست و در ارائه تصویری غیرمجرمانه از خود اصرار دارند.

عموماً اختلاس‌کنندگان سطح تحصیلات بالاتری نسبت به سایر مجرمان دارند و از موقعیت اجتماعی متناسبی برخوردارند؛ مضاف بر اینکه دروغ‌گویان ماهری هستند که به خاطر فقدان وجدان و تعهد به اخلاقیات به راحتی مرتکب جرم اختلاس می‌گردند (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۴۱).

جرم اختلاس مانند سایر جرائم اقتصادی نتیجه عوامل مختلفی است و هرگز نمی‌توان شرایط و اوضاع و احوال خاصی را تنها علت در وقوع جرم اختلاس دانست. محققان و پژوهشگران نیز عوامل متعددی در شکل‌گیری این جرم مشخص کرده‌اند که می‌توان آنها را در دو گروه کلی دسته‌بندی نمود: عوامل محیطی و شخصی. از نظر محیطی مشکلات و نیازهای مالی کارمندان و عدم تأمین مالی کارمندان از سوی مراجع مربوطه، تضعیف اخلاقیات در سازمان‌ها و در مقیاس بزرگ‌تر در جامعه، عدم شفافیت و نظم در امور سازمانی، عدم امنیت شغلی کارکنان، اقتصاد دولتی، ضعف در

پاسخگویی به مردم و غیره را می‌توان برشمرد. همچنین از نظر شخصی می‌توان ضعف وجدان کاری و اخلاقیات افراد، نارضایتی کارمندان از موقعیت خود درون سازمان، زیاده‌خواهی و میل به تجمل و ثروت‌اندوزی و... را از جمله عوامل سوق‌دهنده کارمندان به ارتکاب جرم دانست. در وقوع جرم اختلاس و سایر جرائم اقتصادی وجود فرصت مناسب نقش مؤثری ایفا می‌کند. وجود فرصت مناسب که خود می‌تواند انگیزه ساز باشد. فرصت‌ها اغلب حاصل شرایطی همچون دسترسی به محل جرم، اعطای اختیارات گسترده به مدیران و کارمندان، ضعف در نظارت و بازرسی، حمایت و همکاری چند نفر در ارتکاب جرم، وجود ابهام، ضعف و خلأ در قوانین هستند (بنسون، ۱۳۹۱: ۷۸).

۲. ویژگی‌ها و ریشه‌های جرم اختلاس در اندیشه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه

حضرت علی (ع) در خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه در خصوص روزگار و مردمان و با عنوان سیر ارتجاعی امت اسلامی، مردمان را از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی به چهار دسته تقسیم نمود و دودسته را این‌گونه توصیف نمود:

«آنان که شمشیر کشیده، و شر و فسادشان را آشکار کرده‌اند. لشکرهای پیاده و سواره خود را گردآورده، و خود آماده کشتار دیگران‌اند، دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کردند که یا رئیس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری فرارفته، خطبه بخوانند، چه بد تجارتی، که دنیا را بهای جان خود بدانی، و با آنچه که در نزد خداست معاوضه نمایی. گروهی دیگر، با اعمال آخرت، دنیا می‌طلبند، و با اعمال دنیا در پی کسب مقام‌های معنوی آخرت نیستند، خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند، گام‌ها را ریاکارانه کوتاه برمی‌دارند، دامن خود را جمع کرده، خود را همانند مؤمنان واقعی می‌آریند، و پوششی الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیاطلبی خود قرار می‌دهند».

از خطبه فوق چنین استنباط می‌شود که کارکنان و کسانی که در امور حکومتی (دولتی) مشغول به کار و دارای سمت هستند، باید معیارهایی را رعایت کنند. نوعی رویکرد پیشگیرانه در مطلب فوق وجود دارد؛ به این صورت که از انتخاب و گزینش افراد مسئول حساسیت بیشتری خرج داده شود. از افراد ریاکار و کسانی که دست به

خدا عه می‌زنند، اجتناب شود که تطبیق آموزه‌های نهج‌البلاغه را با رهیافت‌های پیشگیرانه نمایان می‌کند. افزون بر آن یکی از علت ارتکاب جرم اختلاس در خطبه فوق، انتخاب نادرست است. انتخاب و سنجش و گزینش صحیح یکی از موارد اشاره‌شده در رویکردهای پیشگیرانه است، بدین صورت که با انتخاب صحیح پیشگیری از رفتارهای مجرمانه صورت می‌گیرد.

طبق تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی، این بیانات به دنیاپرستانی اشاره دارد که مدعی زهد و تقوا و پذیرش آخرت هستند؛ درحالی‌که این خودبینی چیزی جز فریب و ریا نیست و دنیا را یا با ظلم و زور به چنگ می‌آورند یا با تزویر و فریب.

بنابراین بیانات ارزشمند گروهی از انسان‌ها شر خود را آشکار می‌سازند و گروهی دیگر بدون آشکار کردن شر خود اقدام به تصاحب و زر و زیور دنیا می‌کنند؛ مفسر دسته اخیرالذکر را دارای ظاهری متواضع و باوقار و بی‌اعتنا به دنیا می‌داند که خود را به‌مانند صالحان آراسته می‌کنند؛ درحالی‌که به خداوند و معاد اعتقادی ندارند و ایمان به دو اصل توحید و معاد در اعماق وجود آنان رخنه نکرده است و در قیامت خطاب می‌شود که ای ریاکاران اعمالتان نابود شده است و هیچ راه نجاتی ندارید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۲۷۳).

درنتیجه مستنبط از تفسیر خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه، امام علی (ع)، مهم‌ترین ویژگی اختلاس‌کنندگان را ظاهر فریبی و ریاکاری آنان می‌داند که توسط جرم‌شناسان نیز به آن پرداخته شده؛ در حقیقت شخصیت مختلس، ریاکاری و پنهان‌سازی جنبه‌های مجرمانه رفتار است.

در خطبه ۸۷ امیرالمؤمنان علی (ع) با عنوان موعظه یاران که در بیان معرفی بهترین بنده خدا و الگوی انسان کامل بوده است، پس از توصیف صفات افرادی که هواپرستی را از خود دور ساخته‌اند و پیوسته مراقب خویش هستند و از این بیم دارند که مبادا لغزش‌هایی از آنان سرزند، به توضیح زشت‌ترین انسان‌ها پرداخته که در این خطبه در مورد آنان این‌گونه آمده است: «دام‌هایی از طناب‌های غرور و گفته‌های دروغین بر سر راه مردم افکننده، قرآن را بر امیال و خواسته‌های خود تطبیق می‌دهد و حق را به

هوس‌های خود تفسیر می‌کند، مردم را از گناهان بزرگ ایمن می‌سازد و جرائم بزرگ را سبک جلوه می‌دهد، ادعا می‌کند از ارتکاب شبهات پرهیز دارد، اما در آنها غوطه می‌خورد؛ می‌گوید: از بدعت‌ها دورم ولی در آنها غرق شده، چهره ظاهر او چهره انسان، و قلبش قلب حیوان درنده است، راه هدایت را نمی‌شناسد که از آن سو برود و راه خطا و باطل را نمی‌داند که از آن بپرهیزد، پس مرده‌ای است در میان زندگان». یکی از رفتارهای فرد مختلس دروغ و خدعه و دورویی است، در خطبه فوق به این امر مهم اشاره شده، بدین‌صورت که افرادی که دارای باورهای باطل هستند به انجام رفتارهای مجرمانه، همانند اختلاس روی می‌آورند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بسیاری از رهیافت‌های جدید پیشگیری در آموزه‌های فقهی اسلام وجود دارد که با مذاقه در کتبی همچون نهج البلاغه به آن پی خواهیم برد.

در تفسیر این بخش از نهج البلاغه آمده است که برخی با گمراه کردن مردم از طریق حیل و تزویر در جهت منافع مادی خود اقدام می‌کنند. در جای دیگری از تفسیر این‌گونه مطرح شده است که: «این ریاکار شاید در برابر توده مردم چنان ابراز تقوا و پاکی می‌کند که می‌گوید نه‌تنها از حرام پرهیز دارم که از این شبهات نیز بیزارم؛ درحالی‌که زندگی او مملو از شبهات است» (تقی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۰).

همان‌گونه که عنوان شد، یکی از ویژگی‌های مختلسین، ظاهر سازی و پنهان کردن اقدامات مجرمانه خود است. در خطبه اخیر نیز ملاحظه گردید که امیرالمؤمنان (ع) به افرادی اشاره می‌کنند که ظاهر و باطن آنها یک‌سان نیست و با توجه به همین ویژگی مرتکب گناهان متعددی می‌شوند.

همچنین امیرالمؤمنان (ع) در خطبه ۱۲۶ با عنوان تقسیم بیت‌المال که در مقام بیان عدالت اقتصادی ایشان و روشن‌ترین بیان ایشان در باب پرهیز از اختلاس است می‌فرماید: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، سوءاستفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به‌گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم

می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست؛ آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا ارزش‌دهنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرمی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. هیچ‌کس مالش در راهی که خدا اجازه نفرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت، جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستی آنها را متوجه دیگری ساخت. پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین رفیق و سرزنش‌کننده‌ترین دوست خواهند بود». بنابراین امام علی (ع) در خطبه‌های متعدد بایبان کلمات و عبارات‌هایی مانند ظاهرسازی، فریب و ریاکاری و نیکو جلوه دادن خود نزد دیگران به همان ویژگی‌هایی اشاره نموده است که جرم‌شناسان برای اختلاس‌کنندگان به‌کاربرده‌اند؛ بدین‌صورت که با تأمل در خطبه‌های نهج‌البلاغه مصادیق از رهیافت‌های پیشگیری اجتماعی ملاحظه می‌شود؛ پیشگیری‌ای که ناظر بر فرد بزه‌کار و جنبه‌های تربیتی و اخلاقی وی است.

۳. پیشگیری

به‌طور سنتی در آموزه‌های جرم‌شناسی به سه نوع از پیشگیری اشاره می‌شود: پیشگیری کیفری که به‌وسیله مجازات یا تهدید به اعمال مجازات حاصل می‌آید؛ بدین‌صورت که با وضع قانون و تهدید به اعمال مجازات در صورت انجام عمل خلاف آن به‌صورت عام اقدام به هشدار به افراد جامعه می‌کند.

نوع دیگر پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار نام دارد که به دنبال محدود ساختن فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق اثرگذاری بر محیط است. پیشگیری اجتماعی که حول محور اجتماع انسان و شخصیت افراد بحث می‌کند؛ فرایند تربیت و جامعه‌پذیری و آموزش اخلاق در این‌گونه از پیشگیری می‌گنجد (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۱).

۳.۱. پیشگیری اجتماعی از اختلاس

پیشگیری اجتماعی به دنبال تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد است و تأثیرات آن در درازمدت حاصل می‌شود و آثار بادوام‌تری دارد و اهمیت آن بدین

سبب است که اشخاص به گونه‌ای تربیت می‌شوند که حتی در زمانی که کسی از رفتار آنها مراقبت نمی‌کند، مرتکب اعمال خلاف نمی‌شوند. جرم شناسانی که به پیشگیری اجتماعی معتقد هستند، انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فردی می‌دانند. بنابراین بزهکار شخصی است که در دوران رشد جسمانی و مخصوصاً روان خود در بسترهایی مثل خانواده، مدرسه و محل کار، قربانی بی‌توجهی‌ها، کمبودها و محرومیت‌های مادی، معنوی و عاطفی شده است. به عبارتی مجرمیت محصول علل فردی و اجتماعی است. لذا از آنجاکه این عوامل مولد بزهکاری در جامعه می‌باشند، مبارزه با آنها مبارزه با بزهکاری و کاهش آن خواهد بود. این نوع پیشگیری بر تعلیم و تربیت استوار است. بزهکاری بر اساس دیدگاه پیشگیری اجتماعی نشئت گرفته از محیط اجتماعی شخص مثل خانواده، مدرسه، دوستان و محیط اجتماعی عمومی، مانند اقتصاد عمومی یک کشور، رسانه‌های عمومی، فرهنگ حاکم خواهد بود (همان: ۶۱). آنچه مبنای نظری نگارنده در تحقیق پیش‌رو است، پیشگیری اجتماعی است که نظریات جرم‌شناسی، راهکارها و آموزه‌های آن را در باب جرم اختلاس بررسی خواهیم کرد.

۳،۱،۱. بهبود اخلاق حرفه‌ای

یکی از دلایل عمده ارتکاب اختلاس و فساد مالی در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی، به‌طور کلی بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و دینی است؛ لذا برای جلوگیری از فساد مالی و تقویت سطح خودکنترلی اشخاص، برجسته کردن نقش ارزش‌های اخلاقی در جلوگیری از جرم و تدوین قواعد رفتاری ضروری به نظر می‌رسد؛ قواعد رفتاری مجموعه‌ای از ارزش‌ها و روش‌های مطلوب تعامل با دیگران در محیط‌های مختلف اجتماعی، شغلی و... است که در قالب باید‌ها و نبایدها تجلی می‌یابد. این قواعد رفتاری می‌تواند در کیفیت مطلوب انجام امور اداری و سازمانی مؤثر باشد و سطح بالای رضایت‌مندی و انجام صحیح امور را در پی داشته باشد. اخلاق به دو دسته کلی اخلاق فردی و حرفه‌ای تقسیم می‌شود. اخلاق حرفه‌ای، جزئی از مفهوم اخلاق به‌طور کلی محسوب می‌شود. اخلاق حرفه‌ای از فرهنگ جامعه که

ترکیبی از عقاید، مذهب و آداب و رسوم است شکل می‌گیرد. قواعد و مقررات مربوط به رفتار حرفه‌ای معمولاً در قالب آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها تنظیم می‌شوند. این مقررات ممکن است ضمانت اجرای کیفری داشته باشد یا اینکه صرفاً در حد توصیه‌های رفتاری باشند که عمل نکردن به آنها سرزنش عمومی را در پی خواهد داشت.

فرهنگ و انگیزه مأموران عاملی مهم در سطوح مختلف برنامه پیشگیری از فساد است. در جایی که اعمال فاسد به صورت هنجارهای فرهنگی پذیرفته شده است، کارگزاران در برابر انجام اعمال اصلاحی که جنبه مبارزه با فساد را دارد مقاومت می‌کنند. فرهنگ‌های اداری تحت تأثیر عواملی همچون فرهنگ اصلی جامعه، درآمد، شرایط کاری و امنیت شغلی قرار دارد. توسعه اخلاق حرفه‌ای می‌تواند تقویت فرهنگ اداری را در پی داشته باشد. تهیه و تنظیم قواعد رفتاری در نهادهای دولتی و خصوصی به منظور ایجاد نظم و سلامت در محیط کار صورت می‌گیرد. این قواعد دربردارنده اصولی است که سلامت فرد و سازمان را تضمین می‌کند. مثلاً عدم اعتیاد به مواد مخدر یا قماربازی که از اصول اخلاقی عام و همچنین خاص در رابطه با کارمندان است می‌تواند از بروز اختلاس جلوگیری کند؛ چنین افرادی ممکن است در اثر این قبیل رفتارهای خطرناک از لحاظ مالی و جسمی صدمه ببینند و موجبات آسیب به سازمان را فراهم آورند؛ مثلاً برای تهیه پول مواد مخدر یا جبران باخت در قماربازی اقدام به اختلاس نماید. همان‌گونه که در تحقیقات دونالد کرسی^۱ دلیل اختلاس بسیاری از اختلاس‌کننده‌ها تعهد مالی بر اثر عدم رعایت اصول اخلاقی و... بوده است. اقدامات در راستای اخلاق حرفه‌ای دارای گستره وسیعی است. رفتارهایی همچون اعلام دارایی، منع پذیرش هدیه، صداقت در کلام و انجام کار، گزارش موارد تخلف، عدم وابستگی به جریان‌ات سیاسی، لزوم رعایت و ترویج امانت‌داری، تقبیح کم‌کاری در وظایف شغلی که به عنوان رفتارهای مطلوب ارزیابی می‌شوند و نقش مهمی در کاهش جرائم مالی دارند، در این راستا است. این ویژگی‌های رفتاری افزایش خودکنترلی را در پی دارند (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۵).

۱. Donald Cressey

۳،۱،۲. شایسته‌سالاری

در شایسته‌سالاری، هدف این است که افراد شایسته و نخبه یا متخصص، مناسب مختلف اداری خصوصاً در رده‌های بالایی را اشغال کنند. انتخاب افراد شایسته و متخصص می‌تواند به الگو شدن این افراد کمک کند. افراد شایسته افرادی هستند که هم از لحاظ علمی و هم اخلاقی در سطح بالایی قرار دارند یا اینکه حداقل از دیگران بالاترند. شایسته‌سالاری دارای فواید فراوانی در نظام اداری کشورهاست؛ انجام امور به دست افراد توانمند و صالح، حسن انجام امور و افزایش عملکرد، الگوسازی برای افراد، بروز استعدادها مثل افزایش سطح تحصیلات از این قبیل است. عدم رعایت شایسته‌سالاری (خصوصاً در سطح کلان) خلاقیت و توانمندی‌ها را ضایع می‌گرداند و باعث می‌شود انجام امور به دست افرادی سپرده شود که میزان توانایی فکری و اعتقادی آنان ضعیف است و راحت‌تر مستعد و پذیرای انجام فساد گردند. در یک نظام شایسته‌سالار مشاغل به وسیله اشخاصی که توانایی‌های اخلاقی و علمی بالایی نسبت به سایرین دارند، پر شده است، در نتیجه طبیعی است که میزان وقوع فساد مالی کارمندان به شدت کاهش می‌یابد. لزوم رعایت شایسته‌سالاری باید در ترویج و ارتقای کارمندان نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا افرادی که لیاقت علمی و اخلاقی اداره مشاغل بالادستی را ندارند به مراتب می‌توانند مرتکب فسادهای عظیم‌تری نسبت به سایرین گردند و ضررهای قابل توجهی به نظام اداری و اقتصادی وارد سازند. این افراد در صورتی که اختیار انتخاب کارمندی را داشته باشند، معمولاً رفیق‌گرایی و خویشاوندگیزی را در دستور کار خود قرار داده و روند نادرست انتخاب افراد نالایق را ادامه می‌دهند (انصاری، ۱۳۸۵: ۱۸). بنابراین شایسته‌سالاری در استخدام‌ها و ارتقای کارکنان دولتی به عنوان اقدامی اساسی برای پیشگیری از اختلاس و مقابله با فساد در سطح کلان لازم است.

۳،۱،۳. الگوسازی صحیح

به عقیده ادوین ساترلند^۱ در نظریه «معاشرت‌های ترجیحی» رفتار مجرمانه از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. در این رابطه مفهوم تقلید یا مدل‌سازی به عنوان مفهوم محوری فرایند یادگیری مورد لحاظ می‌شود. این مسئله با ملاحظه رفتار دیگران وارد فرایند یادگیری می‌شود. به عنوان مثال اگر برخی کارمندان به خاطر حسن انجام

۱. Edwin Sutherland

وظایف مربوطه مورد تشویق قرار گیرند افرادی که شاهد این فرایند تشویق و تحسین هستند، می‌توانند آن را یاد بگیرند و در این صورت حس درست‌کاری مشاهده‌گر تقویت می‌گردد. از این رو برای آنکه مجرمان اقتصادی در فضای سازمانی به الگو تبدیل نشوند و همچنین برای جلوگیری از به وجود آمدن محیطی فاسد که در آن قانون‌گریزی به یک (خرده) فرهنگ تبدیل شود، بهترین راهکار جهت‌دهی به مشاهدات کارمندان است؛ بدین ترتیب که رفتارهای قانونی و مطلوب برجسته شده و مورد حمایت و تشویق قرار گیرد و لازمه آن شناسایی و تشویق افراد شریف و درست‌کار است. دیدگاه گابریل تارد^۱ نیز در این زمینه قابل ذکر است؛ وی معتقد است افراد جرم و شیوه‌های ارتکاب آن را از یکدیگر تقلید می‌کنند. به نظر وی این تقلید از نزدیک‌ترین افراد و معمولاً از افراد فرادست صورت می‌گیرد. از این دیدگاه کسب درآمد از طریق جرم در یک محیط سازمانی از طریق دیدن و تعامل شخص با افرادی که سابقه ارتکاب جرم را دارند می‌تواند متصور شود به این صورت که افرادی که در یک محیط محصور مثل یک ساختمان اداری و سازمانی با یکدیگر روابط نزدیکی دارند در صورتی که رفتارهای خلافکارانه در مرئی و منظر آنان ارتکاب یابد این احتمال افزایش می‌یابد که آنان نیز دست به تقلید زده و ارتکاب جرم را به عنوان شیوه‌های سودآور برای کسب درآمد تلقی کنند. این الگوبرداری زمانی بیشتر و مؤثرتر می‌شود که مدیران و افراد بالای سستی سازمان‌ها به عنوان الگوی سایرین (کارمندان در رده‌های مختلف) انتخاب شده باشند؛ حال در صورتی که این الگوها اقدام به نقض قانونی کنند که ملزم به رعایت آن بوده‌اند، چنین انحرافی قابل‌یادگیری و انتقال به سایر کارمندان در یک محیط سازمانی است. در اینجا اندیشه مجرمانه این گونه شکل می‌گیرد که کارمندان وقوع رفتار مجرمانه را توسط سایر همکاران (و بعضاً همکاران بالای سستی) خود مشاهده می‌کنند و این گونه نتیجه می‌گیرند که در برخی موارد نقض قانون چندان قبیح نیست، چون از سوی دیگران هم اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب در فضای سازمانی، فساد مالی از طریق الگوبرداری از سایرین گسترش می‌یابد و در این فضای محدود، نوعی تبانی برای چشم‌پوشی از خطای یکدیگر به وجود می‌آید. از این رو با توجه به دیدگاه‌های تارد در مورد شیوع بزهکاری از طریق تقلید، شیوه‌هایی نیز می‌توان برای

۱. Gabriel Tarde

جلوگیری از وقوع جرم ارائه کرد. در این شیوه‌ها باید الگوهای نامطلوب فردی و اجتماعی را کنار زده و نمونه‌های بهتری جایگزین آنها کنیم. تشویق و تنبیه کارمندان به سبب پاکدستی یا خیانت، ترویج ساده‌زیستی خصوصاً در بین مدیران اصلی سازمان‌ها، انتخاب کارمندان نمونه و... در این راستا است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۷).

۳،۱،۴. آموزش و افزایش کیفی فرهنگ عمومی

یکی از راهکارهای اساسی برای جلوگیری از رشد اندیشه‌های بزهکارانه در افراد توجه ویژه به تعلیم و تربیت افراد در سنین طفولیت است. نظریه خودکنترلی هیرشی^۱ و گاتفردسون^۲ از جمله نظریاتی است که در حوزه پیشگیری اجتماعی دارای راهکارهایی اساسی در کنترل جرم است. در این تئوری برای پیشگیری از جرم و تربیت افراد خطرگریز و اجتماعی توجه به تربیت طفل در اولویت قرار داده شده است. به نظر این جرم‌شناسان کودکانی که والدین آنها رفتارهای صحیح را به آنان آموزش می‌دهند و مراقب رفتارهای آنان هستند، در آینده خودکنترلی بیشتری را کسب می‌کنند و راحت‌تر از سایرین با وسوسه‌های مجرمانه مقابله می‌کنند (hesen, 2011: 15). خانواده‌هایی که در تربیت فرزندان خود بی‌تفاوت و آسان‌گیر هستند و خواسته‌های فرزندان‌شان را نسنجیده برآورده می‌کنند، از دیدگاه این تئوری باعث رشد زیاده‌خواهی در شخصیت آنان و کاهش قدرت مقابله با وسوسه‌های مالی می‌گردد. از این رو شایسته است برای آنکه کودک در آینده در کنترل نفسانیات و تشخیص صواب و خطا دچار تزلزل نگردد، حسن و قبح اعمال وی مورد نظارت و تذکر قرار گیرد (یاوری، ۱۳۸۹: ۱۳). اگر فرایند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی در خانواده به‌طور مناسب سالم اجرا شود، می‌توان انتظار داشت که فرزندان که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند، در آینده شهروندانی قانون‌گرا باشند؛ چراکه خانواده در ایجاد باورهای اجتماعی و انگاره‌های مثبت بسیار مؤثر است و می‌تواند از توسعه نگرش‌های ضداجتماعی جلوگیری کند. هیرشی پیشنهاد می‌کند برای پدرهای بی‌مسئولیت، ضمانت اجرای مالیاتی وضع شود. وی معتقد است اجرای این اصلاحات

1. Hirschi

2. Gottfredson

در سیاست‌گذاری بر میزان رفتار مجرمانه تأثیر مستقیم دارد و موجب تقویت پیوندهای خانواده و نیز افزایش اجتماعی شدن خودکنترلی بیشتر در فرزندان خواهد شد. درنهایت این امر می‌تواند از بروز رفتار انحراف‌آمیز جلوگیری کند (ولش، ۱۳۸۹: ۱۱).

۴. پیشگیری اجتماعی در نهج‌البلاغه

در بسیاری از نامه‌های امام علی (ع) به کارگزارانش مصادیق پیشگیری اجتماعی به وضوح قابل مشاهده است؛ چه‌اینکه آن حضرت از ابتدا و قبل از ارتکاب اختلاس افراد را نسبت به چنین اقداماتی برحذر داشته و به آنان هشدار می‌داد که در صورت خیانت نسبت به بیت‌المال با مجازات دنیوی و عذاب اخروی مواجه خواهند شد. توجه به نامه‌های زیر اهمیت این موضوع را در نگاه امیرالمؤمنان (ع) آشکار می‌سازد: نامه ۳: گفته شده شریح بن حارث، قاضی امیرالمؤمنان (ع) بود. در زمان حکومت آن حضرت خانه‌ای به مبلغ هشتاد دینار خرید، خبر این برنامه به امام رسید، وی را خواست و به او فرمود: «به من خبر رسیده خانه‌ای به هشتاد دینار خریده، و برایش سند نوشته، و بر آن گواهانی گرفته‌ای». گفت: «آری، چنین است ای امیر مؤمنان». حضرت خشم‌آلود به او نگریست و فرمود: «به‌زودی کسی (ملک‌الموت) نزدت می‌آید که به سند خانه نظر نمی‌کند، و از گواه آن نمی‌پرسد، تا آنکه تو را از آن خانه بیرون می‌کند، و تنها تسلیم خانه قبر می‌نماید. ای شریح، مواظب باش که این خانه را از غیر مال خود نخریده، یا قیمت آن را از غیرمال حلال نداده باشی، که در این صورت دچار خسارت دنیا و آخرت شده‌ای. آگاه باش، اگر زمان خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی مانند این سند می‌نوشتم، که در خرید این خانه به یک درهم چه رسد بالاتر از آن رغبت نمی‌کردی».

نامه ۵: نامه‌ای که امام (ع) در خصوص سوءاستفاده نکردن از پست و مقام برای اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان نگاشته است: «این فرمانداری، برای تو وسیله آبروانان نیست؛ بلکه امانتی است در گردنت و (بدان) تو از سوی مافوق خود تحت مراقبت هستی. هرگز حق نداری درباره رعیت، استبداد به خرج دهی و حق نداری در کارهای مهم و خطیر بدون اطمینان وارد شوی. در دست تو بخشی از اموال خداوند

عزوجلّ است و تو یکی از خزانه‌داران او هستی، باید آن را حفظ کنی تا به دست من برسانی، امید است من رئیس بدی برای تو نباشم، والسلام».

نامه ۲۰: در خصوص برخورد قاطع با متخلف به زیادبن ابیه، جانشین فرماندار بصره: «به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر به من خبر رسد که در غنائم مسلمانان به اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌مایه مانی و بار هزینه عیال بر دوشست سنگینی کند و حقیر و خوار شوی. والسلام».

مفسر در تفسیر این نامه به این نکته حائز اهمیت اشاره می‌کند که امام (علیه السلام) به او صریحاً نفرمود تو خیانت کرده‌ای، بلکه سخن را به نحو مشروط بیان کرد که «اگر به من برسد که مرتکب چنین خیانتی شده‌ای»؛ زیرا در این گونه موارد اگر پرده را از روی کار شخص متخلف کنار بزنند، او جسورتر می‌شود. فصاحت و بلاغت ایجاب می‌کند که پرده را کمی کنار بزنند و مطلب را به صورت مشروط بیان کنند تا او جسور نشود.

نامه ۲۱: نامه‌ای در خصوص پرهیز از اسراف و ذخیره برای آخرت به زیادبن ابیه، جانشین فرماندار بصره: «از زیاده‌روی پرهیز و میانه‌روی پیشه کن. امروز به فکر فردایت باش. از مال به قدر نیازت نگه‌دار و آنچه افزون آید، پیشاپیش برای روزی که بدان نیازمند گردی، روانه دار. آیا امید آن داری که خداوندت پاداش متواضعان دهد، درحالی که در نزد او از متکبران هستی؟ آیا درحالی که خود در ناز و نعمت فرورفته‌ای و آن را از ناتوانان و بیوه‌زنان دریغ می‌داری، طمع در آن بسته‌ای که ثواب صدقه‌دهندگان دهند؟ آدمی به آنچه پیشاپیش فرستاده، پاداش بیند و بر سر آن رود که از پیش روانه داشته. والسلام».

نامه ۲۶: در زمینه امانت‌داری کارگزاران به فرماندار اصفهان که وظیفه جمع‌آوری مالیات و پرداختن سهم مستحقان را به عهده داشت: «(بدان) برای تو در این زکات نصیب مشخص و حق معینی است و شریکانی از مستمندان و بینوایان داری. به یقین ما حق تو را به طور کامل خواهیم داد، تو هم باید حق آنها را به طور کامل بپردازی. اگر چنین نکنی، از کسانی خواهی بود که در قیامت بیش از همه دشمن و شاکی دارند. بدا

به حال کسی که در پیشگاه خداوند، فقرا و مساکین و سائلان و کسانی که از حقشان محروم شده‌اند و بدهکاران ورشکسته و در راه‌ماندگان (همگی) خصم و شاکی او باشند (این‌گونه افراد، خائنان به بیت‌المال‌اند) و آن‌کس که امانت را سبک بشمرد و در وادی خیانت گام بگذارد و خویش‌تن و دینش را از آن پاک نسازد، درهای ذلت و ر سوایی را در دنیا به روی خود گشوده و در سرای آخرت خوارتر و رسواتر خواهد بود. (و بدان) به‌یقین بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت است و رسواترین غش و تقلب، غش و تقلب نسبت به پیشوایان اسلام است، والسلام».

امام (ع) در پایان این نامه به این نکته اشاره می‌فرماید که خیانت گاه درباره یک شخص است و گاه درباره یک امت و به‌یقین خیانت درباره یک امت بسیار زشت‌تر و خطرناک‌تر است.

نامه ۴۳: در خصوص برابری مسلمانان در بیت‌المال به مَصْفَلَهْ بَنِ هُبَيْرَه شیبانی که عامل او در اردشیر خرّه بود: «از تو خبری به من رسیده، که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خود را غضبناک کرده‌ای. تو غنائم جنگی مسلمانان را که به نیروی نیزه‌ها و اسبانشان گرد آمده است و بر سر آنها خون‌ها ریخته شده، به جماعتی از عرب‌های قوم خود، که تو را اختیار کرده‌اند، بخشیده‌ای. سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده، اگر این سخن راست باشد، از ارج خود در نزد من فرو کاسته‌ای و کفه اعتبار خود را سبک کرده‌ای. پس حقیقت پروردگارت را سهل‌مینگار و خوار مدان و دنیایت را به نابودی دینت آباد مگردان. که در زمره زیان‌کارترین مردم در روز رستاخیز خواهی بود. بدان که مسلمانانی که نزد تو یا نزد ما هستند، سهم‌شان از این غنیمت برابر است. برای گرفتن سهم خود نزد من می‌آیند و چون بگیرند، باز می‌گردند». همچنین امام علی (ع) در نامه ۵۳ برای پیشگیری از انحراف مسئولان حکومتی در منشور حکومتی خود مالک اشتر را به بازرسی محرمانه مأموران دولت امر می‌کند (رحیم‌پور، ۱۳۹۷: ۸۵).

علاوه بر موارد فوق امیر المؤمنان خود را به‌عنوان الگویی در زمینه حفظ و نگهداری بیت‌المال به امت اسلامی معرفی کرده و در نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف

نگاشته است: «امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. به خدا سوگند از دنیای شما پاره زری نیندوخته‌ام و از همه غنائم آن مالی ذخیره نکرده‌ام و به جای این جامه که اینک کهنه شده است، جامه‌ای دیگر آماده نساخته‌ام». در جای دیگری در خطبه ۲۳۲ در خصوص احتیاط در مصرف بیت‌المال فرموده است: «این مال نه از آن من است و نه از آن تو، بلکه غنیمت مسلمانان و اندوخته شمشیرهای ایشان است. پس اگر با آنها در کارزارشان شریک بوده‌ای، تو را هم مانند آنان نصیب و بهره می‌باشد. و اگر نه، چیده دست‌های آنها برای دهن‌های دیگران نیست».

پیشگیری اجتماعی که جرم شناسان مطرح می‌کنند، با مواردی که در نهج البلاغه و آموزه‌های آن مورد بررسی و تطبیق قرار گرفت، هر دو در یک راستا و بزه‌کارمحور بودند. در هر دو توجه به مسائل اخلاقی، تربیتی و دوری از دروغ و خدعه شده است. به نظر در صورتی که این دو آموزه با یکدیگر تلفیق شوند و رویکرد پیشگیرانه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های فقهی فقه امامیه بر آن حاکم باشد، نتیجه‌ای مطلوب که همانا پیشگیری از این جرایم است، به ارمغان می‌آورد.

بنابراین با توجه به حکومت‌داری و امکان اجرای احکام اسلامی توسط امام علی (ع)، آن حضرت سهم ویژه‌ای در تبیین سیاست پیشگیری اجتماعی از جرم اختلاس داشته است؛ در واقع راهبرد اساسی و اولیه سیاست حکومتی امیرالمؤمنان در مواجهه با اختلاس، رویکرد کیفری و مجازات‌محور نبود؛ بلکه اولویت اصلی و ترجیح ایشان با برنامه‌های پیشگیرانه صورت گرفت.

نتیجه

اختلاس، مسئله‌ای است که در عصر حاضر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بر سر راه توسعه و پیشرفت جوامع قرار گرفته و آسیب‌های بی شماری ایجاد کرده است. از آنجاکه مرتکبان این جرم غالباً از طبقات بالای جامعه هستند، اقدامات کیفری مؤثری علیه آنان صورت نمی‌پذیرد؛ چراکه آنان در از بین بردن ادله و مدارک وقوع جرم تبحر داشته و غالباً اثری از خود باقی نمی‌گذارند؛ بنابراین همواره تلاش شده است با

برنامه‌های پیشگیرانه نسبت به کاهش وقوع این جرم اقدام شود. در همین راستا برنامه‌های پیشگیرانه‌ای همچون بهبود اخلاق حرفه‌ای، شایسته سالاری، الگو سازی صحیح و آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی که از رویکردهای پیشگیری اجتماعی هستند، کارکرد سازنده‌ای ایفا می‌کند. از طرفی با بررسی محتوای نامه‌ها و خطبه‌های نهج‌البلاغه، مشخص گردید قسمت قابل ملاحظه‌ای از مطالب در حوزه‌ها و مضامین مختلف اعتقادی مرتبط با توصیف ویژگی‌های اختلاس‌کنندگان، ترسیم سرنوشت آنان و راهکارهای پیشگیری از این پدیده مجرمانه است. امام علی (ع)، به عنوان الگویی در زمینه حفظ و نگهداری بیت‌المال، به وجود خطر غارت بیت‌المال در عصر خود آگاه بوده و برای جلوگیری از اختلاس، بر اعمال کارگزارانش نظارت داشته و مکرراً با ارسال نامه‌های هشدارآمیز و موعظه‌مند پیامدها و آثار ارتکاب چنین عمل مجرمانه‌ای را به آنان بیم می‌داده است.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی پیشگیری، ج ۱، تهران: میزان، چاپ چهارم.
۲. _____، (۱۳۸۷)، «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم‌شناسی»، فصل‌نامه علمی ترویجی کارآگاه، سال ۲، شماره ۵، ص ۳۱-۵۲.
۳. الهی‌منش، محمدرضا و محسن مرادی اوجقاز و محمد رضایی بشیر، (۱۳۹۴)، «سیاست جنایی ایران در قبال اختلاس»، مجله قضاوت، سال ۱۵، شماره ۸۳، ص ۱۰۳-۱۲۰.
۴. انصاری، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، «تأملی در باب مفهوم شایسته‌سالاری»، روزنامه رسالت، مورخه ۱۳/۲/۱۳۸۵.
۵. بنسون، مایکل و سالی سیمپسون (۱۳۹۱)، جرائم یقه سفیدی رویکرد فرصت‌مدار، ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد، تهران: میزان.
۶. تقی‌پور، علی‌رضا، (۱۳۹۲)، «مجرمین یقه‌سفید از دیدگاه جرم‌شناسی و نهج‌البلاغه»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال ۱، شماره ۳، ص ۵۶-۶۶.
۷. چلونگر، الناز، (۱۳۹۶)، نگاهی به جرم اختلاس و مجازات آن، تهران: ماهواره.
۸. رحیم‌پور ازغدی، طاهره و سید محمد مرتضوی، (۱۳۹۷)، «نقد تاریخی اختلاس عبدالله بن عباس (با تکیه بر نهج‌البلاغه)»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال ۶، شماره ۲۴، ص ۷۱-۸۸.
۹. رمضان‌انی، احمد، (۱۳۸۰)، اختلاس: بررسی فقهی حقوقی، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
۱۰. سلیمانی، سجاد، (۱۳۹۶)، «پیشگیری از اختلاس»، فصل‌نامه علمی ترویجی، مجله کارآگاه، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۷۱-۹۲.
۱۱. عمید، حسن، (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر، چاپ سی‌وهشتم.
۱۲. علامه حلی، حسین بن یوسف بن المطهر، (۱۳۴۳)، مختصر نافع، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۱)، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۴. مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، (<http://ahlolbait.com/article/16270/>)، ۱۳۹۸/۱/۱۲.
۱۵. میرمحمدصادق، حسین، (۱۳۹۲)، جرایم علیه اموال و مالکیت (حقوق کیفری اختصاصی ۲)، تهران: میزان، چاپ سی و هشتم.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۰)، تقریرات درس جرم شناسی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی.
۱۷. ولش، کلی، (۱۳۸۹)، «درآمدی بر دو نظریه تراویس هیرشی»، ترجمه بهروز جوانمرد، فصل نامه تعالی حقوق، سال ۲، شماره ۴، ص ۱۰۳-۱۱۶.
۱۸. یاور، علی، (۱۳۸۹)، «خانواده و روش های تربیت»، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۹۶، ص ۷-۱۹.

(ب) انگلیسی

19. Hesen, Buker, (2011), behavior violent and aggression, control self of Formation, vol. 16, p. 9-21.